

همان‌طور که فکر شما می‌کردیم

چند نکته از پایان‌بندی سریال «هم‌گناه»



محمد عنبرسوز

نخستین تجربه سریال‌سازی مصطفی کیایی، این هفته با توزیع بیست و چهارمین قسمت، به پایان رسید. «هم‌گناه» در مجموع از مخاطب نمره قبولی گرفت و سطح مخاطب از مدیوم نسبتاً نوپای نمایش خانگی را بیش از پیش بالا برد. محسن و مصطفی کیایی، برای مخاطبشان یک سورپرایز ناهمگون کنار گذاشته بودند که در دو قسمت پایانی «هم‌گناه» خودش را نشان داد؛ به این ترتیب که پایان‌بندی قصه عملاً روی رو شدن برگ جدیدی از وضعیت روانی نقش پیمان (پدرام شریفی) شکل گرفت. اما شیوه پرداختن به این موضوع تا حدودی ذوق مخاطب را کور کرد و با دست‌گشوده و نگاه سرشار از احترام کیایی به هواداران سریال تازه‌اش چندان سازگاری نداشت. «هم‌گناه» که نشان داده بود به شعور مخاطب احترام می‌گذارد و پر مخاطب شدن به هر قیمتی را دوست ندارد، در حالی برگ آخرش را در دو قسمت پایانی رو کرد که طی ۲۲ قسمت قبلی، تممدا بخش‌هایی از واقعیت را از چشم مخاطب پنهان کرده بود تا بتواند بیننده‌اش را در ایستگاه پایانی شگفت‌زده کند. به‌کارگیری دوربین از دریچه چشم یک شخصیت، آن هم در شرایطی که لحن روایت سریال کاملاً واقع‌نمایانه است، باعث شد برخی مخاطبان این ترفند پایانی را نوعی رودست‌خوردن از فیلم‌ساز تلقی کنند.

ضربانگ خوب «هم‌گناه» در قسمت‌های پایانی حسایی به مذاق مخاطبان خوش آمد و موجب افزایش آمار رضایتمندی از این مجموعه شد. می‌دانیم که یکی از آفت‌های رایج سریال‌های ایرانی، کش‌دار شدن بی‌مورد و تلاش برای ادامه دادن یک مجموعه موفق است که معمولاً به پایان‌بندی ضعیف سریال‌های موفق می‌انجامد. «هم‌گناه» اما با شتاب در خور ملاحظه‌ای در چهار، پنج قسمت پایانی آستین‌هایش را برای باز کردن گره‌ها بالا زد و با گرهِ‌گشایی‌هایش که یکی پس از دیگری از راه می‌رسیدند، توانست حتی به ریتم بهتری در مقایسه با قسمت‌های ابتدایی دست یابد. این موضوع در شبکه‌های اجتماعی زمینه مقایسه این مجموعه با برخی سریال‌های کشدار را ایجاد کرد و نشان از رضایت مخاطبانی بود که اصلاً دوست نداشتند احساس کنند از سوی سازندگان یک سریال گروگان گرفته شده‌اند.

با توجه به روند منطقی و موقر پیش‌روی داستان «همگناه»، این حد از زیاد شدن درجه ملودرام و افزایش بی‌رویه احساسات در قسمت پایانی انتظار نمی‌رفت. البته برادران کیایی در تعیین فرجام شخصیت زیبا (هدیه تهرانی) شجاعت به خرج دادند، اما با مانور بی‌رویه بر روی این فرجام سوزناک (حدوداً ۱۰ دقیقه از زمان مفید پنجاه دقیقه‌قسمت آخر)، متأثر کردن مخاطب را به حفظ صلابت و متانت پرداخت قصه، ترجیح دادند.

اما یکی دیگر از نقاط قوت پایان‌بندی مجموعه «هم‌گناه» این بود که توانست از شخصیت زمخت و نسبتاً منفی فرید (مسعود رایگان) در ارتباط سنوسی و عجیبش با شخصیت آرمان (محسن کیایی)، در قالب چندسکانس باشکوه، موقعیت‌های تأثیرگذار دریاورد. برادران کیایی اما، در عین ناباوری، تمام ظرفیت موجود در موقعیت وصال فریبرز (پرویز پرستویی) و دخترش اریا (روشنک گرمی) را نادیده گرفتند و این ظرفیت پراحساس را آن‌قدر سرد و سهل‌انگارانه بر‌گزار کردند که عملاً یکی از برگ‌های برنده احتمالی مجموعه در پایان‌بندی از بین رفت. با این همه، پایان‌بندی «هم‌گناه» متناسب با کیفیت کلی این مجموعه رقم خورد و در روزگاری که سریال‌های شبکه خانگی چندان سرحال و پر مخاطب نیستند، محصول مشترک برادران کیایی توانست خاطره خوشی از خودش در ذهن مخاطبان ثبت کند.

نام فیلم	شبکه	ساعت
شئل قرمزی	امید	۹
آخرین سامورایی	چهار	۱۰:۳۰
داستان توکیو	نمایش	۱۱
اولین نمایش	نمایش	۱۳
ترانه دریا	کودک	۱۴
مرد جنگ	نمایش	۱۵
سرقت از برج	نمایش	۱۷
تفنگ لالا	امید	۱۷:۴۵
همشهری کین	نمایش	۱۹
جانی دوباره برمی‌گردد	سه	۲۰
رمی	نمایش	۲۱
مذاکره	نمایش	۲۳

شکار

روزنامه شهرامید زندگی

۳شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۹۶ ۲۱ شهریور ۱۳۹۶ شماره ۳۱۸۱

۱۴



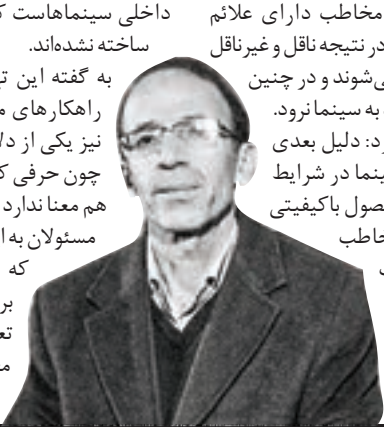
فرهنگ و هنر

عادت کردن مخاطب به سینما نرفتن خطرناک است



سید امیر سیدزاده تهیه‌کننده آثاری چون «هادر قلب اتمی» و «شماره ۱۷ سهیلا» و بازیگر سریال پایتخت شش در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران جوان از دلایل استقبال نکردن مخاطبان از سینماها با توجه به اینکه ترفندها و راهکارهای مختلفی از سوی سازمان سینمایی برای جذب مخاطب در نظر گرفته شده است صحبت کرد. به نظر او برای روشن ماندن چراغ سینما برخی نکات محوری و اساسی آن‌طور که باید محقق نشده است. یکی اینکه استانداردها و لوازم بهداشتی لازم برای

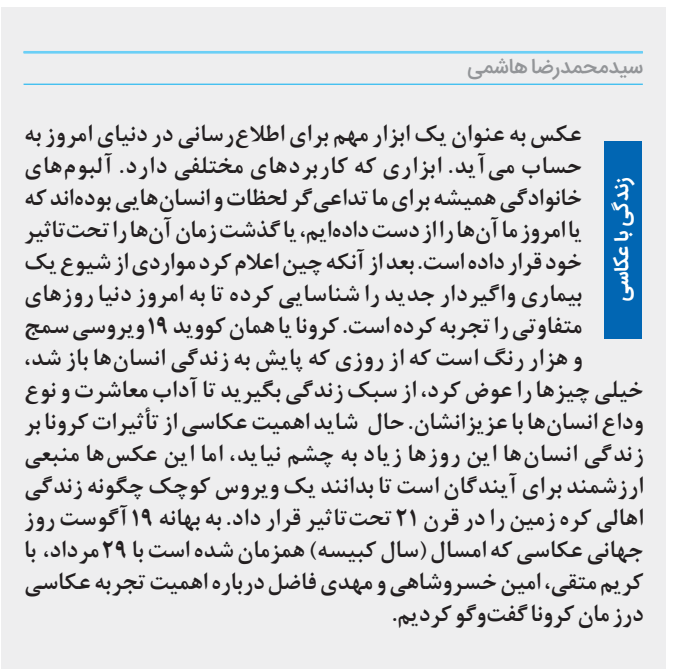
تشخیص و جداکردن مخاطب دارای علائم ویروس و سالم را نداریم، در نتیجه ناقل و غیرناقل وارد محیطی سر بسته می‌شوند و در چنین وضعی مخاطب حق دارد به سینما نرود. سیدزاده خاطر نشان کرد: دلیل بعدی استقبال کم مردم از سینما در شرایط کنونی، این است که محصول باکیفیتی نداریم، فیلمی که مخاطب خطر کند و با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی هم بیاید و آن را ببیند. مورد سوم فضای



داخلی سینماهاست که برای چنین روزهایی ساخته نشده‌اند. به گفته این تهیه‌کننده نقطه‌نظرها و راهکارهای مختلف مدیران فرهنگی نیز یکی از دلایل دفع مخاطب است، چون حرفی که می‌زنند برای خودشان هم معنا ندارد و درباره آن پلاتکلیف‌اند. مسئولان به این موضوع فکر نمی‌کنند که سینما باید تا زمان برچیده شدن این ویروس تعطیل و پس از رفع خطر مجدداً بازگشایی شود.

پیوند کرونا به تاریخ باعکاسی

عکاسان از اهمیت ثبت وقایع این روزها می‌گویند



سیدمحمد رضا هاشمی

زندگی با عکاسی

عکس به عنوان یک ابزار مهم برای اطلاع‌رسانی در دنیای امروز به حساب می‌آید. ابزاری که کاربردهای مختلفی دارد. آلبوم‌های خانوادگی همیشه برای ما نداعی‌گر لحظات و انسان‌هایی بوده‌اند که یا امروز ما آن‌ها را از دست داده‌ایم، یا گذشت زمان آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده است. بعد از آنکه چنین اعلام کرد مواردی از شیوع یک بیماری واگیردار جدید را شناسایی کرده تا به امروز دنیا روزهای متفاوتی را تجربه کرده است. کرونا یا همان کووید ۱۹ وپروسی سمج و هزار رنگ است که از روزی که پایش به زندگی انسان‌ها باز شد، خیلی چیزها را عوض کرد، از سبک زندگی بگیرد تا آداب معاشرت و نوع وداع انسان‌ها با عزیزانشان. حال شاید اهمیت عکاسی از تأثیرات کرونا بر زندگی انسان‌ها این روزها زیاد به چشم نیاید، اما این عکس‌ها منبعی ارزشمند برای آیندگان است تا بدانند یک ویروس کوچک چگونه زندگی اهالی کره زمین را در قرن ۲۱ تحت تأثیر قرار داد. به بهانه ۱۹ آگوست روز جهانی عکاسی که امسال (سال کبیسه) همزمان شده است با ۲۹ مرداد، با کریم متقی، امین خسروشاهی و مهدی فاضل درباره اهمیت تجربه عکاسی در زمان کرونا گفت‌وگو کردیم.

هم اهمیت این ماجرا را زیاد می‌کنند.

● عکس‌های دوره کرونا درس بزرگی به ما و فرزندانمان می‌دهد



امین خسروشاهی که تجربه عکاسی خبری در رویدادهای مهم بین‌المللی و حوادثی مثل پلاسکو را در کارنامه خود دارد و این روزها به عنوان دبیر سرویس عکس خبرگزاری ایسنا خراسان رضوی مشغول به کار است، درباره اهمیت عکس‌هایی که در روزهای فراگیری کرونا ثبت می‌شود می‌گوید: مسلماً اهمیت یک عکس در این شرایط می‌تواند به میزان تأثیرگذاری و آگاهی‌سازی آن عکس یا گزارش تعبیر شود. هیچ کدام از ما تجربه زندگی در چنین شرایطی را نداشته‌ایم و قاعدتاً مردم در رویارویی با چنین شرایطی یا خیلی محتاط‌اند یا خیلی بی‌پروا و این عکاسان هستند که می‌توانند شرایط واقعی جامعه و تأثیر این ویروس را بر زندگی مردم ببینند، ثبت کنند و با تأثیرگذاری‌شان

● عکاسی از تجربه کرونا بسیار حائز اهمیت است



کریم متقی از عکاسان شناخته شده ایران است که در تبریز زندگی می‌کند، او از معدود عکاسانی است که از همان روزهای اولی که کرونا به صورت جدی وارد زندگی مردم ایران شد دوربینش را برداشت و به آرامگاه «وادی رحمت» تبریز رفت تا چشم‌دیده‌های خود را از درگذشتگان

او درباره اهمیت عکاسی از روزهای کرونایی می‌گوید: عکاسی از تجربه کرونا بسیار حائز اهمیت است. این یک موقعیت خطیر است، هر چند که ما نمی‌دانیم این ماجرا تا کی ادامه دارد، اما بالاخره یک نقطه پایانی دارد. کرونا در زندگی ما و در جامعه یک نقطه عطف بود. ما شاهد بر خورد مردم آن بودیم، به دلیل شیوع این ویروس تلفات دادیم و می‌دهیم، برای مقابله با آن هزینه می‌کنیم و قرار گرفتن همه این‌ها در کنار

باعث متعادل شدن رفتار مردم بشوند.

او درباره عملکرد عکاسان ایرانی در عکاسی روزهای کرونایی می‌گوید: با توجه به اینکه چین دست رسانه‌ها را در پوشش جامع اتفاقات کرونایی در آن کشور بسته بود و با اینکه ایران بعد از چین جزو اولین کشورهایی بود که تحت تأثیر ویروس کرونا قرار گرفت. بنابراین تقریباً هیچ‌لگویی مشخصی به اتفاقات و واکنش حاکمیت و مردم در مقابل شرایط همه‌گیری کرونا در کشور پیش‌بینی نمی‌شد. با این حال از همان ابتدا و تا به امروز، آثار عکاسان ایرانی در ارتباط با موضوع کرونا بسیار تأثیرگذار، جسورانه و مقایسه پذیر با آثار دیگر عکاسان حرفه‌ای در نقاط مختلف جهان بوده است.

به نظر خسروشاهی: هم خود رسانه‌ها و هم همکاری بسیاری از نهادها و سازمان‌ها با رسانه‌ها در زمینه پوشش و انتشار اتفاقات و واقعیات متأثر از کرونا می‌توانست خیلی بهتر و شفاف‌تر باشد اما در مجموع عملکرد رسانه‌ها در این باره مثبت است.

دبیر سرویس عکس خبرگزاری ایسنا



عکس مصطفی کیایی



عکس کریم متقی

سیدزاده همچنین یادآور شد: در این میان نکته‌ای بسیار مهم را باید در نظر داشت، اگر مخاطب در زمان باز بودن سالن‌های سینما به سینما نرفتن عادت کند (این روزهای سینما) زمانی هم که ویروس از بین برود، دیگر سینما رفتن یا نرفتن برای او اهمیتی نخواهد داشت. اگر این موضوع همه‌گیر شود، برای سینما در دراز مدت خطرناک خواهد بود. پس تعطیلی کامل سینما در مخاطب احساس تشنگی ایجاد می‌کند و باعث می‌شود، پس از بازگشایی در زمان رفع کامل خطر، استقبال چشمگیری از فیلم‌ها داشته باشد.



عکس محمدحسین سلطانی

می‌گوید: همیشه یکی از جنبه‌هایی که به واسطه آن‌ها عکس اهمیت پیدا کرده، این بوده که آن عکس در چه شرایطی عکاسی شده است، هرچه این شرایط سخت‌تر باشد، ارزش آن عکس بیشتر خواهد بود. برای مثال حضور در مکانی که عوامل محدود کننده‌ای وجود داشته، اما عکاس با غلبه بر آن‌ها از سوزِ خود عکاسی کرده است، این موضوع اهمیت عکس‌های تولید شده را افزایش می‌دهد. مثلاً عکس‌های «ارپش سالامون» عکاس آلمانی به این دلیل در تاریخ عکاسی اهمیت دارد که در دوره پیش از جنگ جهانی دوم کمتر عکاسی بوده که در محافل سیاسی راه پیدا کند، اما این آدم به صورت مخفیانه با حضور در محافل سیاسی مهم از آن جلسات عکاسی کرده است و همین موضوع دلیل اهمیت عکس‌های اوست. کرونا هم درست مثل همین است، محدودیت‌هایی که کرونا برای زندگی عادی مردم ایجاد کرده، باعث حضور کمتر عکاس‌ها در فضاهای عمومی و اجتماعی شده است. طبیعتاً عکاسانی که در این محدودیت‌ها را کنار می‌گذارند و در



عکس محمدحسین سلطانی

«روزتان مبارک شکارچیان» نمی‌دانیم تعریف و تمجید است مبنی بر تیزبینی و هوشیاری یا متلک است مبنی بر فضولی کردن و تجسس در امور دیگران! اما با یک واگوی ساده، برایتان تفاوت میان عکاسان و شکارچیان را روشن می‌کنم؛ شکارچی می‌کشد اما ما زنده نگه می‌داریم؛ شکارچی پس از کشتن نیز ممکن است در حق سوزده‌اش لطفی کند و او را تاکسیدرمی و بزک کرده، «زنده‌نما» نشان دهد. عکاس هنری نور و سایه را همیشه در خاطره‌ها زنده نگه می‌دارد و فتوژورنالیست‌ها نیز همیشه سوزده‌ها را در حافظه دائمی تاریخ ثبت می‌کنند، به قول سوزان سونتاگ، منتقد بزرگ عکاسی، «عکس، موماییی زمان است» و ما با تعهد به ابزار، مخاطب، نگاه و کشورمان این گونه همه چیز را ثبت دائمی حافظه تاریخ کرده و

عکاس‌باشی به سبزوآر رفته و نزد ملاهادی سبزواری رسیدند، از او درخواست کردند، ژستی ساده بگیرد تا عکسش به یادگار بماند؛ ملاهادی سبزواری ابتدا مخالفت کرده و سپس با دیدن عکس خود آنچه گفته بود را بازپس گرفت. دوران قاجار، بسیار متنوع در زمینه ابداعات ادبیات عکاسانه است؛ «عکاس» هنوز وجود نداشت؛ او، «عاکس» بود؛ «لنز» وجود نداشت؛ بلکه «آتشخانه ابژکتیف» نامیده می‌شد. امروز اما که به باور من از بدیهیات است که به زبان کهن خود بازگردیم، باید عرض کنم به جای واژه «عکس» که از زبان عربی وارد زبان پارسی شده، واژه «فرتور» جایگزین می‌شود.

اکنون اما، حدود یکصدو هشتاد سال از آن روزگار سپری شده است؛ ما چه کردیم؟ ما کجاییم؟ امروز به ما پیام تبریک می‌فرستند با مضمون

شرمین نصیری* – نمی‌خواهم داستان‌های تکراری از لوتی داگر بزرگ، نی‌پس دانشمند، شاهزاده ملک قاسم میرزا و ناصرالدین شاه عکاس بگویم؛ همه ما با آن‌ها آشنا هستیم، اما می‌گویم داستان عکاسی نه به دویست سال و نه به صد و اندی سال پیش، بلکه به نصد سال پیش بازمی‌گردد با ابداعات دانشمند زمان، حسن این روشم و بعدها مکاشفاتی که در باب نور از سوی فلاسفه و حکمای ایرانی مطرح شد.

بد نیست بدانید واژه «عکس» قرن‌ها پیش در اشعار بزرگان شعر کلاسیک ایران نیز به‌کار

رفته است؛ صدها سال بعد، در دوران قاجار، «عکس» به حقیقت پیوست؛ در زمانی که فلاسفه و حکمای اسلامی نظیر ملاهادی سبزواری باور نداشتند که چنین چیزی امکان‌پذیر است، در سفری که ناصرالدین شاه به همراه اقارضا

عکاسی از قاجار تا امروز

گزیده‌ای از فیلم‌های سینمایی شبکه‌های مختلف صدا و سیما که امروز ۲۹ مرداد آرتی تلویزیون می‌روند.

برنامه «با حسین حرف بزن» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی محمدامین پرواس، محرم امسال با تغییرات کلی نسبت به سال گذشته، هر شب روی آنتن شبکه نسیم می‌رود. خواننده تیتراژ ابتدایی این برنامه رضا صادقی است و تیتراژ پایانی را هم محمد معتمدی می‌خواند.